



درس بیستم

سوره انعام: آیات (۶۰ - ۶۴)

درس بیستم
سوره انعام: آیات (۶۰-۶۴)

نکات مهم آیات:

۱. «خواب» مرگی است موقت که تا آخر عمر،

تکرار می شود و روح رفته، به بدن برمی گردد؛

۲. وقتی «اجل مسمی: پایان مدت عمر» فرا رسد،

روح از بدن جدا می شود و در دنیا هرگز به آن

برنمی گردد؛

۳. خداوند برانسان، چند گروه از فرشتگان را

گماشته است: گروهی او را محافظت می کنند؛

گروهی اعمالش را به ثبت می‌رسانند؛ دسته‌ای
روح را از بدنش جدا می‌کنند و عده‌ای
روحش را نزد خدا می‌برند؛

۴. حکم و حسابرسی قیامت از آن خدایی است
که همواره بر بندگانش قهر و غلبه و قیومیت
دارد؛

۵. زمانی که انسان گرفتار می‌شود، فطرتش
آشکار شده و آشکار و پنهان از خدا استمداد
می‌طلبد؛

۶. انسان گرفتار برای جلب کمک خدا، چهار
مرحله را پشت سر می‌گذارد: دعا ؛ تضرع

(سوزوگداز آشکار)؛ خفیه (دعای پنهانی)؛

تعهد به سپاسگزاری؛

۷. انسانی که از گرفتاری‌ها رهایی یافته، وعده

خود را فراموش کند، بار دیگر به شرک روی

می‌آورد؛

لغات درس بیستم

جَرَحْتُمْ:	به دست آوردید، کسب کردید	مَوَلَاهُمْ:	مولایشان
يَتَوَقَّأَكُمُ:	روح شما را می گیرد، شما را می میراند	أَلَّا:	آگاه باشید
يَبْعَثُكُمْ:	شما را بیدار می کند، شما را بر می انگیزاند	أُسْرَعُ:	زودترین، سریع ترین
لِيُقْضَى:	تا تمام شود، تا سر آید	الْحَاسِبِينَ:	حساب کنندگان
أَجَلٌ:	زمان، مدت	مَنْ:	چه کسی
مُسَمًّى:	نام برده شده، معین	يُنْجِيكُمْ:	شما را نجات می دهد
مَرَجِعُكُمْ:	بازگشت شما	تَدْعُونَهُ:	او را می خوانید
يُنَبِّئُكُمْ:	شما را آگاه می کند	تَضَرَّعًا:	خضوع با زاری و ناله
الْقَاهِرُ:	غالب، چیره	خَفِيَّةً:	پنهانی
تَوَفَّاهُ:	او را می میراند	لِئِنْ:	اگر
حَفَظَهُ:	نگهبان	أُنْجَانًا:	ما را نجات دهد
رُدُّوا:	برگردانیده شوند	كَرْبٍ:	غم، اندوه

❓ آیه ۶۰: وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

ترجمه: و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید، می داند، سپس شما را در آن بیدار می کند تا هنگامی معین به سر آید، آنگاه باز گشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می داده اید، آگاه خواهد کرد.

تفسیر:

در آیه قبلی به بیان علم خدا به موجودات عالم هستی پرداخت و اینک به بیان علم خدا به اعمال و حالات انسان می‌پردازد که هدف اصلی محسوب می‌شود^۱ و در پایان آیه به سرانجام مسیر زندگی انسان که معاد و رجوع به خداست اشاره می‌کند.^۲

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ : خداست که روح انسان را به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس دوباره به بدنش برمی‌گرداند. خواب شب هرکس نشان مرگ و خوابگاهش بسان قبر و بیداری روز نشانه زنده شدن پس از مرگ اوست و این روند ادامه دارد تا وقتی که مدت عمرش به سر رسد و آنگاه برای همیشه

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۷۲.

۲. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۸۳.

روح او را قبض می‌کند و به سوی خود باز می‌گرداند و وی را از اعمالش آگاه می‌سازد.^۳

لازم به ذکر است که در آیه، «تَوَفَّی» را مقید به شب و «بعث» را مقید به روز نمود به این جهت که به طور غالب، مردم در شب به خواب می‌روند و در روز بیدارند؛ و گرنه خصوصیتی در خواب شب نیست.^۴

همچنین از آیه می‌توان قدرت خدا را بر زنده کردن مردگان فهمید؛ چرا که آن خدایی که قادر است انسان را از خواب بیدار کند، قادر خواهد بود که او را پس از مرگ هم، زنده سازد.^۵

۳. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۸۳.

۴. المیزان، ج ۷، ص ۱۸۴.

۵. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۲۲.

اما در خصوص تفاوت «توفی» و «مرگ» باید بگوییم: توفی، رحلت روح و قرار گرفتن زمام آن در اختیار خدا و فرشتگان است؛ ولی مرگ، قطع کامل رابطه روح و بدن است.^۶

وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ : انسان باید بداند همان خدایی که به هنگام خواب، روح او را می گیرد، به اعمال او در روز آگاه است، پس باید به اعمال نیک روی آورد تا در خواب، روحی پاک به خدا تحویل دهد.^۷

ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ : پس از فرا رسیدن مدت معین، و نزول مرگ دائمی (أَجَلٌ

۶. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۸۶.

۷. تسنیم، ج ۲۵، ص ۳۸۷.



مُسَمَّی)، به سوی او بازگشت خواهند کرد، و سپس خدا آدمیان را از اعمالشان آگاه می‌سازد. آری، دیدن رؤیا در خواب، می‌تواند دلیلی بر امکان عالم برزخ باشد، چون خدا می‌تواند روح انسان را پس از جدا شدن از بدن در «توفی صغری: خواب»، در قالب مثالی بگذارد و آن را شاد یا محزون کند، تواناست که پس از «توفی کبری: مرگ» نیز آن را در قالبی مثالی به بهشت یا دوزخ برزخی ببرد، و در قیامت کبری هم در بهشت یا دوزخ ابدی با بدن اصلی جای دهد.^۸

پرسش و پاسخ



سؤال: چرا در قرآن، گرفتن روح (و ایجاد مرگ)، گاهی به خدا و گاهی به عزرائیل و گاهی به سایر فرشتگان نسبت داده شده است؟

پاسخ: طبق فرموده امیرالمؤمنین ع خدا روح انسان- های با صلابت (مؤمن درجه یک) را می گیرد و عزرائیل به سراغ متوسطین رفته و سایر فرشتگان مرگ به سراغ ضعیفا می روند. گفتنی است، گرچه در هر سه مورد، هر سه عامل دخیل اند: ولی توفی شدگان گروه نخست به لقاء الله راه می یابند و جز خدا را نمی بینند؛ گروه دوم فقط شایستگی دیدن



عزرائیل را دارند و گروه سوم فقط فرشتگان
فرودست را می‌توانند ببینند.^۹

نکته‌ها: ۱. اثر فلسفی این آیه آن است که خدا هم
به کلیات عالم هستی علم دارد و هم به جزئیات؛ در
حالی که برخی از فلاسفه اعتقاد دارند خدا فقط به
کلیات علم دارد.

۲. اثر تربیتی آیه این است که بدانیم خدایی که در
قیامت حاکم و شاهد است از همه رفتارها، گفتارها
و حالات انسان، لحظه به لحظه با خبر است؛ پس
باید مواظب باشیم.



□ آیه ۶۱: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ

ترجمه: و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است و نگهبانانی بر شما می فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند در حالی که کوتاهی نمی کنند.

تفسیر:

این آیه به ادامه بیان علم خدا به اعمال و گفتار انسان می پردازد.



وَهُوَ الْقَاهِرُ... : خداوند همراه انسان است و این همراهی به این معنی است که او برانسان و همه موجودات قیمومیت دارد و چنین قیمومیتی لازمه‌اش این است که او برانسان و موجودات عالم مافوق و قاهر و احاطه مطلق دارد و در نتیجه همه رفتارها، گفتارها و حالات لحظه به لحظه انسان و فرشته و رابطه آن دو را زیر نظر دارد.^{۱۰}

وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً... الْمَوْتُ: یکی از آثار قیمومیت خدا بر انسان این است که عده‌ای از فرشتگان را برای حفظ او و ثبت اعمال و حالاتش بر

۱۰. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۰۰.

۱۱. آیات هم معنای این موضوع: رعد/۱۱؛ ق/۱۸؛ انفطار/۱۰ - ۱۲؛ یونس/۲۱؛ زخرف/۸۰.



وی می گمارد. بدیهی است این حفاظت و ثبت تا لحظه مرگ انسان است.^{۱۲}

گفتنی است، آوردن «حَفَظَهُ» بر این نکته دلالت دارد که کار فرشتگان حافظ، حفاظت از همه بلاها و مصایب است، نه مصیبت خاصی.^{۱۳}

از نگاه دیگر، حفاظت آنها اعم از حفظ تکوینی و تشریعی است. در «حفظ تکوینی»، انسان‌ها را از همه خطرهای حفاظت می‌کند و در «حفظ تشریعی»، اعمال انسان‌ها را حفظ می‌کند و فرشتگان حافظ، هیچ‌گاه اهل تفریط و کوتاهی کردن در انجام وظیفه نیستند. با این حال خداوند برخی از اعمال و گفتار

۱۲. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۰۰.

۱۳. المیزان، ج ۷، ص ۱۸۶.



انسان‌ها را از فرشتگان کاتب، مخفی نگه می‌دارد. «كنت انت الرقیب... و الشاهد لما خفی عنهم»^{۱۴}
اما فایده ارسال فرشتگان حفظه چیست؟ ارسال نگهبانان تکوینی برای حفظ جان و جسم آدمی از خطرهای باعث می‌شود که انسان به فکر شکر و سپاس از خداوند رحمان و رحیم بیفتد که از او مواظبت کرده است، اعزام نگهبانان تشریعی به منظور ثبت اعمال، گفتار، حالات و نیات، باعث می‌شود انسان‌ها مواظب اعمال و رفتار خود باشند تا هم از عقوبت الهی در دنیا و آخرت رهایی یابند و هم از آبروریزی قیامت در امان بمانند.^{۱۵}

۱۴. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۰۰، ۴۰۱ و ۴۰۵.

۱۵. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۰۶.



تَوَفَّيْتُهُ رُسُلَنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ: مأموران توفی، غیر از
مأموران حفاظت کننده هستند؛ به دلیل اختصاص دو
کلمه «حَفَظَهُ» و «رُسُلَنَا»؛ همان گونه که ملائکه‌ای
رحمت و راحتی می‌آورند (و نام‌شان روحانیون
است)، غیر از ملائکه‌ای هستند که منشأ حزن و اندوه
هستند (و آن‌ها را کروبین می‌نامند). در انتهای آیه
می‌فرماید، نه فرشتگان حفظه و نه ملائکه توفی، اهل
کم کاری نیستند؛ بنابراین ملائکه مرگ، تمام روح
را در وقت مقرر و بدون تعجیل و تأخیر می‌گیرند.^{۱۶}
امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَکَیْنِ
يَحْفَظَانِهِ فَإِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ وَ إِنَّ الْأَجَلَ



جَنَّةٍ حَصِينَةٍ^{۱۷} به همراه هر انسانی دو فرشته است
که او را حفظ می‌کنند، پس هرگاه مرگ او
فرارسد، وی را رها می‌کنند.

❖ آیه ۶۲: ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ
وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ

ترجمه: آنگاه به سوی خداوند، مولای بحق‌شان
برگردانیده شوند. آگاه باشید که داوری از آن
اوست و او سریع‌ترین حساب‌رسان است.



تفسیر:

پس از مرگ بدن، روح انسان که زنده است، همراه عقاید، اخلاق، اعمال و گفتاری که در دنیا کسب کرده است، به سوی مولای حقیقی‌اش (خدا) بازگردانده می‌شود. بازگشت انسان به خدا نشان آن است که تمام حقیقت انسان، روح حیات‌بخش اوست که با مرگ بدن به جایگاه اصلی‌اش برمی‌گردد. روح انسان، از جهت رتبه - نه زمان - بر بدن مادی مقدم است و براساس این تقدم، همواره عندالله است و چند صباحی برای تدبیر بدن به آن تعلق می‌گیرد و در پی مرگ بدن، رابطه‌اش با آن قطع شده و به جایگاه نخستین خود، یعنی نزد خدا برمی‌گردد:



رُدُّوا إِلَى اللَّهِ، و در حقیقت، مرگ برای بدن و حیات برای روح است. لازم به ذکر است که فرشتگان ردکننده روح به خدا با فرشتگان مرگ و با فرشتگان محافظ، متفاوت اند.^{۱۸}

نکته: اضافه شدن «مَوَلٰی» به ضمیر «هُم»، نشان دهنده رأفت خداوند است.^{۱۹} حق، یکی از اسمای حسنای خداوند است؛^{۲۰} زیرا خدا ذات و صفاتش طوری است که قابل دگرگونی و انتقال نیست.^{۲۱} ضمناً، «حسیب: حسابگر» یکی دیگر از اسمای الهی است که در آیه ذکر شده است.

۱۸. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۱۰ - ۴۱۴.

۱۹. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۱۰.

۲۰. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۲۵.

۲۱. المیزان، ج ۷، ص ۱۸۸.



أَلَّا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ : خدای سبحان به مردم هشدار می‌دهد که آگاه باشید که حکم و فرمان تکوینی و تشریعی در اختیار اوست و وی سریع‌ترین حسابگران است و درحسابرسی او هیچ معطلی‌ای نیست؛ زیرا کندی حساب بر اثر جهل، غفلت، فراموشی و نداشتن ابزار لازم است که خدا منزله از همه این‌هاست.^{۲۲}

در خصوص «سرعت محاسبه» روایت است که خداوند حساب تمام بندگان را در زمان کوتاهی به اندازه دوشیدن یک گوسفند، رسیدگی می‌کند.^{۲۳}

۲۲. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۱۰.

۲۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۷۵.



نکته: از امیرالمؤمنین ع سؤال شد: خدا چگونه مردم را محاسبه می کند در حالی که او را نمی بینند؟ فرمود: همان گونه که به آن ها روزی می دهد، ولی او را نمی بینند.^{۲۴}

□ آیه ۶۳: قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ



ترجمه: بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا می رهاند در حالی که او را به زاری و در نهان می خوانید که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند البته از سپاسگزاران خواهیم بود.

تفسیر:

این آیه، ملحدان و کافران را به «خداپرستی» فرا می خواند، با این بیان برهانی که: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می دهد؟ در کنار «ظلمت حسی»، «ظلمت معنوی» قرار دارد، که به نوبه خود، ترس و اضطراب را به همراه دارد؛ مانند جهالت، انحرافات اخلاقی، هرج و مرج اجتماعی،



نابسامانی اقتصادی و...^{۲۵} البته در یک کلام کلی می‌توان «ظلمات» را «سختی‌ها» دانست؛ چرا که سختی و تاریکی، هردو باعث وحشت هستند،^{۲۶} و این سختی و تاریکی ممکن است حسی باشد یا معنوی.

تَدْعُوْنَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً : با قرار گرفتن در تنگناهای شدید زمین و دریا و کوتاه شدن دست انسان از عوامل نجات‌بخش مادی، ناامیدی به سراغ او می‌آید و در این لحظه با رجوع به فطرت خود، در عمق جانش به یک نیروی توانمند فرا مادی و فراطبیعی، امیدوار می‌شود که در اندیشه دینی آن را «خدا» می-

۲۵. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۷۸.

۲۶. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۳۱.



خوانند و از آنجا که چنین حسی، همگانی است، از
سنخ «خرافه و باطل» نیست.

پاسخ به یک شبهه: برخی می گویند: ترس بشر
باعث شده که او به خدا معتقد شو!

در پاسخ می گوییم: ترس بشر باعث می شود که غبار
غفلت و فراموشی از فطرت خدا طلبی انسان زدوده
شود و با آشکار شدن این فطرت، خدا نیز در قلب
انسان آشکار می گردد و این گونه نیست که ترس به
طور مستقیم، خدا را به ارمغان بیاورد. تاریخ گواه
است که پیامبران که با اعتقادترین انسان ها به خدا
بودند، از شجاعت بالایی برخوردار بودند.^{۲۷}



تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً: در عمل، دعای سِرِّی (خُفْيَةً) بر دعای علنی (تَضَرُّعًا) مقدم است؛ ولی از نظر رتبه، دعای علنی که در این جا همان تضرع (دعای همراه با سوز و گداز) آشکار است بر خُفْيَةً (که تَضَرُّع درونی) است، مقدم است؛ چرا که تَضَرُّع آنچنانی گرچه قوی است، اما خُفْيَةً این چنین بسیار قوی تر است.^{۲۸} از این آیه بر می آید که مستحب است انسان در حال دعا به زبان خود تضرع کند و در دل اخلاص و خضوع داشته باشد.^{۲۹}

لَنْ أَنْجَانَا... مِنَ الشَّاكِرِينَ: انسان‌ها، صادقانه و با تأکید، هنگام گرفتاری از خدا طلب کمک می کنند

۲۸. تسنیم، ج ۲۵، ص ۴۳۲.

۲۹. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۲۹.

۳۰. چند آیه هم معنا: اسراء/۶۷؛ یونس/۲۳.



و در این استمداد، چهار مرحله زیر را پشت سر می-
گذارند: دعا، تضرُّع، خُفِیَّه و تعهد سپاس گزاری.^{۳۱}

آیه ۶۴: قُلِ اللَّهُ يُنَجِّیْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ
تُشْرِكُونَ

ترجمه: بگو خداست که شما را از آن [تاریکی-
ها] و از هر اندوهی می رهاند، سپس باز شما
شرک می ورزید.

تفسیر:



این آیه شریفه، به بیان «جدال احسن» با مشرکان - نه ملحدان و کافران - پرداخته و در پایان آیه، آنها را به سبب عهدشکنی توبیخ می‌کند.^{۳۲}

از این رو به آنها می‌گوید: چه کسی شما را از ظلمات خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ آیا غیر از «الله» که او را «رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌دانید، کسی توان این کار را دارد؟! به طور مسلم آنها خدا را معرفی می‌کنند؛ چرا که در مسیر استمداد از خدا، صادقانه و با تأکید قدم برمی‌دارند؛ اما...



ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ: اما پس از رهایی از ظلمات
گرفتاری‌ها، خدا را فراموش کرده، بار دیگر به
شرک روی می‌آورند! ۳۳